



به قدرت رسیدن ملک سلمان در عربستان را فقط نمی‌توان یک جایگزینی در نظام قدرت خانوادگی تلقی کرد، بلکه براساس رفتار، سیاست و نوع تعامل با نقاط بحرانی در خاورمیانه و شمال آفریقا یا بازیگران رقیب، باید آن را دوره‌ای جدید در این کشور ثبت کرد که بنا بر ارزیابی‌های غربی، سرنوشت عربستان سعودی را با هزینه‌های سنگین و ریسک‌های بالا، در ابهام قرار داده است.

روزنامه «مصر تایمز» در یادداشتی به‌قلم «حنیف عبدالله»، سیاست خارجی عربستان در یمن، مصر و لبنان و همچنین مسائل داخلی و تحولات این کشور را بررسی کرده است. در این مقاله آمده است: رفتار فرار به جلو در تحولات منطقه‌ای و اصرار بر سیاست‌های افراطی و بی‌ثبات‌کننده، اگرچه ظاهراً برای تثبیت موقعیت این پادشاهی است، ولی با یک اضطراب و نگرانی عمیق همراه است.

«ترکی فیصل» مدتی قبل در واکنش به موضع اوپاما که عربستان را مادر تروریسم و ناقض حقوق بشر و آزادی توصیف کرده بود، به خملانه بیش از ۵۰ ساله پادشاهی عربستان در همپیمایی با آمریکا اشاره کرده و موضع رئیس‌جمهوری آمریکا را غیرمنصفانه دانست. در محیط داخلی با اینکه چنین شاهزادگان در نردبان قدرت به نفع ملک سلمان و فرزندش محمد است، ولی جابه‌جایی حدود ۴۳ پست سیاسی و حکومتی و ادغام ۱۳ وزارت‌خانه و موسسه را باید نوعی خانه‌تکانی و تضمین ابزارهای لازم برای تصدی «محمد بن‌سلمان» دانست که تردیدی برای حذف «محمد بن‌نایف» ولیعهد از خود‌نشان نمی‌دهد. هنوز روشن نیست آمریکایی‌ها تمایل خود

با نگاهی به اوضاع میداین جنگ در شهر حلب سوریه، شاهد تحركات قوی و شدید ارتش و نیروهای مقاومت در خطوط داخل شهر هستیم. نیروهای محور مقاومت پس از تکمیل محاصره حلب از شمال شهر و با بستن جاده کاستیول و مزارع ملاح، از جانب بلندی‌های مخیم حندورات در خطر هسدف قرار گرفتن قرار داشتند و از جانبی حصار محاصره باید به اندازه‌ای بزرگ می‌شد که شکست حصر این منطقه، سخت یا غیرممکن شود.

پس از تلاش ناموفق تروریست‌ها در شکست محاصره شهر حلب از طرف جنوب غرب شهر و باز کردن پارکهای که فاقد ارزش نظامی لازم بود، این باریکه مجدداً توسط نیروهای ارتش که آتش سنگین توپخانه و هوایی خود را بر آن متمرکز کرده بودند بسته شد. هر چند در تمام طول مدت باز بودن این باریکه به دلیل دید و تیر ارتش، تدارکاتی هم وارد شهر حلب نشد. در واقع هدف مسلحان از این عملیات بی‌نتیجه و پرتلفات تنها بازسازی روحی و روانی نیروهای معارض دولت بود چراکه بعد از تکمیل محاصره شهر، عامل روانی آنها تخریب و با معادلات جدیدی روبه‌رو شده بودند که کفه آن به طرف ارتش و نیروهای مقاومت سنگین‌تر بود. محور مقاومت با اتخاذ راهبردی معقول و منطقی و با استفاده از تاکتیک عقب‌نشینی‌های تاکتیکی و استفاده موثر و دقیق از آتش سنگین و پر حجم توپخانه و هوایی، تلفات زیادی به سازمان رزم و تجهیزات و تسلیحات مسلحان وارد و با متوقف کردن روند تهاجمی آنها وارد فاز تهاجم شده و خطوط سقوط‌کرده را دوباره تصرف کرد. در عین حال کمترین تلفات را متحمل و ابتکار عمل را در تمام مدت در دست داشت.

طی عملیات فک حصر شهر حلب توسط تروریست‌ها مقادیر زیادی از مهمات و ذخایر زرادخانه آنها با توسط خود آنها مصرف شد و از جانب دیگر تروریست‌ها تلفات بالایی را در سازمان رزم خود متحمل شدند. واضح است این

### معادلاتی که سرنوشت عربستان‌سعودی را در ابهام قرار داده است

# عشیره آشفته

طولانی در خود ندیدند. عزای پایان عمر تروریسم تکفیری در عراق و سوریه، برای آمریکا و اسرائیل و آل‌سعود قابل تحمل نیست، چراکه پیامدهای ژئوپلیتیک و امنیتی این شکست، عربستان را در محاق و آمریکا را با ششوک از دست رفتن هژمونی منطقه‌ای روبه‌رو می‌کند.

لذا همه انرژی آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی در سوریه و عراق در تزییق تروریست‌های جدید و سلاح‌های حیاتبخش برای تروریست‌ها و طولانی کردن عمر آنها مصروف می‌شود. فقط امید دارند دیرتر شکست بخورند و کسب پیروزی و امتیاز بیشتر به سراب و توهم شباهت دارد.

ثبات اقتدارساز در عراق برای آمریکا و عربستان یک سم مهلک است لذا در کنار بازی به اصطلاح مبارزه با تروریسم در عراق، از هر تلاشی برای واگرایی، هرج‌ومرج و ناکارآمدی حکومت مرکزی این کشور استقبال می‌کنند. عراق مقتدر، دمکراتیک و منسجم برای معادله قدرت منطقه‌ای و بقای آل‌سعود در نقطه مقابل و معکوس قرار دارد. ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برای عربستان یک کابوس و برای آمریکا غیر قابل باور و پذیرش است لذا دیپلماسی رسمی با پنهان آنها، تخریب، مهر یا فشار و محدودسازی ایران قرار گرفته است. اگر عشایر عرب در دوره ناصر، هویت قومی و ناسیونالیستی داشت و تمام عشایر و خانواده‌های نامدار عربی جزیره‌العرب را این هویت راهبری می‌کرد، در دوره صدام، آنها یعنی شده و در خدمت وی قرار گرفتند. این شجره عشایری از سوی عربستان با شناسنامه عرب سنی ظاهر شد. عربستان می‌داند برای اجرای نقش تجربی در درون ایران، نمی‌تواند روی ظرفیت‌های کردی و بلوچ تکیه کند، ولی با تکیه بر شجره عشایری شیخ خزعل، می‌تواند خود را وارث و منجی عرب و اهل سنت قرار داده و با دلارهای نفتی به رفتار ضدامنیتی در مقابل ایران استمرار دهد.

عربستان پنهان نمی‌کند که ده‌ها میلیارد دلار به صدام برای جنگ با ایران اهدا کرد یا با تروریست‌های تکفیری به مراکز دیپلماتیک ایران در چند کشور حمله کرده و خونریزی راه انداخت یا از شورورهای موید خود در جریان شرق ایران برای ایجاد بی‌ثباتی و نامتی بهره گرفته است.

عربستان سعودی برای اینکه ثابت کند برای آمریکا مفید است و آمریکا نباید به بهانه توافق هسته‌ای به ایران نزدیک شود، حاضر است خودکشی اقتصادی هم بکند و نفت ارزان به جهان عرضه کند یا با وسوسه خریداران نفت ایران، پیشنهاد قیمت‌های پایین‌تر از سید رسمی بورس‌ها را بدهد تا فروش نفت ایران و تأمین درآمد ایران مختل شود.

به‌طور کلی تصویری که عربستان از خود در دیپلماسی، نقش منطقه‌ای و تعامل و رقابت در

منطقه و جهان به‌جا گذاشته، نه‌تنها به نتایج ملموس و راهبردی منتهی نشده، بلکه چهره‌ای از یک بازیگر سرور، غیر قابل اعتماد، نامن‌کننده، خونریز و تروریست به‌جای گذاشته تا جایی که حتی حامیان آنها در لندن و واشنگتن ناچارند گاهی به این جلوه‌های زشت یا وحشتناک در محیط داخلی و خارجی عربستان اذعان و اعتراف کنند. اگر چنین ارزیابی کنیم که بسیاری از کشورهای یا بر مبنای دفع شر یا به‌عنوان کیسه پول و دلارهای نفتی به عربستان نگاه می‌کنند، چندان به بیراهه نرفته‌ایم و انصاف را زیر پا نگذاشته‌ایم. پاکستانی‌ها می‌شود. فقط امید دارند دیرتر شکست بخورند و کسب پیروزی و امتیاز بیشتر به سراب و توهم شباهت دارد.

ثبات اقتدارساز در عراق برای آمریکا و عربستان یک سم مهلک است لذا در کنار بازی به اصطلاح مبارزه با تروریسم در عراق، از هر تلاشی برای واگرایی، هرج‌ومرج و ناکارآمدی حکومت مرکزی این کشور استقبال می‌کنند. عراق مقتدر، دمکراتیک و منسجم برای معادله قدرت منطقه‌ای و بقای آل‌سعود در نقطه مقابل و معکوس قرار دارد. ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برای عربستان یک کابوس و برای آمریکا غیر قابل باور و پذیرش است لذا دیپلماسی رسمی با پنهان آنها، تخریب، مهر یا فشار و محدودسازی ایران قرار گرفته است. اگر عشایر عرب در دوره ناصر، هویت قومی و ناسیونالیستی داشت و تمام عشایر و خانواده‌های نامدار عربی جزیره‌العرب را این هویت راهبری می‌کرد، در دوره صدام، آنها یعنی شده و در خدمت وی قرار گرفتند. این شجره عشایری از سوی عربستان با شناسنامه عرب سنی ظاهر شد. عربستان می‌داند برای اجرای نقش تجربی در درون ایران، نمی‌تواند روی ظرفیت‌های کردی و بلوچ تکیه کند، ولی با تکیه بر شجره عشایری شیخ خزعل، می‌تواند خود را وارث و منجی عرب و اهل سنت قرار داده و با دلارهای نفتی به رفتار ضدامنیتی در مقابل ایران استمرار دهد.

عربستان پنهان نمی‌کند که ده‌ها میلیارد دلار به صدام برای جنگ با ایران اهدا کرد یا با تروریست‌های تکفیری به مراکز دیپلماتیک ایران در چند کشور حمله کرده و خونریزی راه انداخت یا از شورورهای موید خود را برای ایجاد بی‌ثباتی و نامتی بهره گرفته است. عربستان سعودی برای اینکه ثابت کند برای آمریکا مفید است و آمریکا نباید به بهانه توافق هسته‌ای به ایران نزدیک شود، حاضر است خودکشی اقتصادی هم بکند و نفت ارزان به جهان عرضه کند یا با وسوسه خریداران نفت ایران، پیشنهاد قیمت‌های پایین‌تر از سید رسمی بورس‌ها را بدهد تا فروش نفت ایران و تأمین درآمد ایران مختل شود.

به‌طور کلی تصویری که عربستان از خود در دیپلماسی، نقش منطقه‌ای و تعامل و رقابت در

منطقه و جهان به‌جا گذاشته، نه‌تنها به نتایج ملموس و راهبردی منتهی نشده، بلکه چهره‌ای از یک بازیگر سرور، غیر قابل اعتماد، نامن‌کننده، خونریز و تروریست به‌جای گذاشته تا جایی که حتی حامیان آنها در لندن و واشنگتن ناچارند گاهی به این جلوه‌های زشت یا وحشتناک در محیط داخلی و خارجی عربستان اذعان و اعتراف کنند. اگر چنین ارزیابی کنیم که بسیاری از کشورهای یا بر مبنای دفع شر یا به‌عنوان کیسه پول و دلارهای نفتی به عربستان نگاه می‌کنند، چندان به بیراهه نرفته‌ایم و انصاف را زیر پا نگذاشته‌ایم. پاکستانی‌ها می‌شود. فقط امید دارند دیرتر شکست بخورند و کسب پیروزی و امتیاز بیشتر به سراب و توهم شباهت دارد.

ثبات اقتدارساز در عراق برای آمریکا و عربستان یک سم مهلک است لذا در کنار بازی به اصطلاح مبارزه با تروریسم در عراق، از هر تلاشی برای واگرایی، هرج‌ومرج و ناکارآمدی حکومت مرکزی این کشور استقبال می‌کنند. عراق مقتدر، دمکراتیک و منسجم برای معادله قدرت منطقه‌ای و بقای آل‌سعود در نقطه مقابل و معکوس قرار دارد. ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برای عربستان یک کابوس و برای آمریکا غیر قابل باور و پذیرش است لذا دیپلماسی رسمی با پنهان آنها، تخریب، مهر یا فشار و محدودسازی ایران قرار گرفته است. اگر عشایر عرب در دوره ناصر، هویت قومی و ناسیونالیستی داشت و تمام عشایر و خانواده‌های نامدار عربی جزیره‌العرب را این هویت راهبری می‌کرد، در دوره صدام، آنها یعنی شده و در خدمت وی قرار گرفتند. این شجره عشایری از سوی عربستان با شناسنامه عرب سنی ظاهر شد. عربستان می‌داند برای اجرای نقش تجربی در درون ایران، نمی‌تواند روی ظرفیت‌های کردی و بلوچ تکیه کند، ولی با تکیه بر شجره عشایری شیخ خزعل، می‌تواند خود را وارث و منجی عرب و اهل سنت قرار داده و با دلارهای نفتی به رفتار ضدامنیتی در مقابل ایران استمرار دهد.

عربستان پنهان نمی‌کند که ده‌ها میلیارد دلار به صدام برای جنگ با ایران اهدا کرد یا با تروریست‌های تکفیری به مراکز دیپلماتیک ایران در چند کشور حمله کرده و خونریزی راه انداخت یا از شورورهای موید خود را برای ایجاد بی‌ثباتی و نامتی بهره گرفته است. عربستان سعودی برای اینکه ثابت کند برای آمریکا مفید است و آمریکا نباید به بهانه توافق هسته‌ای به ایران نزدیک شود، حاضر است خودکشی اقتصادی هم بکند و نفت ارزان به جهان عرضه کند یا با وسوسه خریداران نفت ایران، پیشنهاد قیمت‌های پایین‌تر از سید رسمی بورس‌ها را بدهد تا فروش نفت ایران و تأمین درآمد ایران مختل شود.

### نامه تاریخی سیداحمد خمینی به آیت‌الله منتظری

ثانیاً، مجاهدین خلق با منطق، ائمه جمعه، شهدای محراب را کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، حزب را منفجر کرده و ۷۲تن از یاران با وفای امام را کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، رئیس‌جمهور و نخست وزیر را کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، بقیه را کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، تعداد کثیری از عزیزان این نظام مانند شهید قدوسی، هاشمی نژاد و… را کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، نمازهای جمعه را به آتش کشیدند؟ مجاهدین خلق با منطق، این همه وکیل و وزیر را از این جمهوری کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، شب‌ها به ششکار حزب‌الله می‌رفتند و صداها نفر افراد معمولی کوچه و بازار را کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، هواپیماهای این مردم را دزدیدند و به عراق فروختند؟ مجاهدین خلق با منطق، در ایران جاسوسی می‌کنند؟ مجاهدین خلق با منطق، با صدام همکاری کرده، بچه‌های حزب‌الله را در جبهه‌های جنگ در عملیات مختلف کشتند؟ مجاهدین خلق با منطق، می‌خواستند تا تهران بیایند؟ مجاهدین خلق با منطق، هواپیماي حامل شهید محتالی و بقیه افراد از هیات‌های قضایی و نظامی و مردم عادی را شناسایی کردند و به دولت عراق اطلاع دادند تا سرنگون کند؟ مجاهدین خلق با منطق؟! تنها، مجاهدین خلق با منطق، خود افراد بیت شما را از خودشان کردند که به صورتی که به تالیین آنان اجازه رفت و آمد درمنزلتان را دادید. مجاهدین خلق با منطق، خود شما را به آنجا کشاندند که امام را کشتند زن‌های بچه‌دار معرفی کردید. مجاهدین خلق با منطق، خود شما را به آنجا کشاندند که بچه‌های اطلاعات فرزندان امام زمان علیه‌السلام را از ساواکی‌های شاه بدتر دانستید. مجاهدین خلق با منطق، خود شما را به آنجا کشاندند که نامه‌هایی در دفاع از آنان نوشتید. این نامه به پایان رسید و ما همچنان در اول وصف خیانت‌های آشکار و پنهان اطرافیان جنابعالی مانده‌ایم. بیار بفرمایید

که همیشه با فکر و ذکر شما روز و شب را می‌گذرانم، آخر شما امید همه ما بودید. بار دیگر از جنابعالی عاجزانه می‌خواهم که با یک حرکت انقلابی خود را از طیف سیدمهدی هاشمی رها کرده و در دریای محبت بیکران دوستداران امام شانور سازید، با امید آن روز، از خداوند متعال سلامتی و شادابی و پیروزی شما را بتر عنفرت ظلم و خیانت اطرافیان خواستارم و نکاتی را می‌آورم:

۱- در خاتمه نیتز هر همچون مقدمه از تکرار مکررات در این نامه عذرخواهی می‌کنم.

۲- از اینکه بعضی از جملات تند است معذرت می‌خواهم چرا که ما صراحت لہجه را از شما آموختهایم.

۳- اگر تندی نامه متأثرتان ساخته است خود را جای امام بگذارید و آنوقت کمی فکر کنید که خدا را خوش می‌آید تا شما برای دلخوشی چند لیبرال و منافق بیرمردی زنددل و الهی که همه عمرش را صرف اعلاء کلمه‌الله کرده است آدمکش و مخصوصاً زنان بچه‌دارکش معرفی کرده باشید و با این حرکت غیراسلامی- انسانی، دل دشمنان قسم‌خورده اسلام و نظام و ایران را شاد کرده باشید. کمی فکر کنید که چگونه حضرت امام و ماه‌ها و سال‌ها زیر شلاق اتهامات واهی شما و لیبرال‌ها و منافقین تنهای تنها صبر کردند و برای صلحت نظام و اسلام با قلبی شکسته، خون دل خوردند.

۴- سه نامه از آقای مهدی هاشمی را که یکی به جنابعالی و ۲ نامه برای آقا هادی هاشمی است به جهت محتوای تکان‌دهندمش در آخر آوردم.

۵- تذکر این موضوع را هم لازم می‌دانم که اصولاً این نامه بر مکاتبات جنابعالی و امام پایه‌ریزی شده است که در بین از وقایع تلخی سخن رفته است.

**حضرت آیت‌الله!**

اگر از مناقبین و لیبرال‌ها و طیف مهدی هاشمی جدا نشوید، مطمئن باشید تمامی حزب‌للهایی‌ها در آخرت در مقابل پیامبر اکرم جلوی شما را خواهند گرفت.

**والسلام علی من اتبع الهدی احمد خمینی، ۶۸/۲/۹**

«نامه سیدمهدی هاشمی به آقای سیدهادی

هاشمی»

**«بسم‌تعالی»**

خدمت برادرم سیدهادی هاشمی، امیدوارم از اعمال و رفتار خود نادم و پشیمان شده‌باشی. در این روزها قصد داشتم یک نامه مفصل با ذکر شواهد و دلایل و تحلیل انگیزه‌هایی که تشخیص می‌دادم در اعمالق فکر شما ریشه دوانیده برایت بنویسم ولی تقدیر خدا با تدبیر من هماهنگ نبود، اکنون که چند لحظه بیشتر به مرگ من‌مانده است چند نکته را اجمالاً تذکر می‌دهم.

**ادامه دارد …**